

کاریکاتور پیامبر اسلام، آزادی بیان یا توهین به مقدسات؟

چهارشنبه، ۱۱ بهمن، ۱۳۹۳

منبع این مطلب [خودنویس](#)

نویسنده مطلب: [احمد هاشمی](#)

Share

مطالب منتشر شده در این صفحه نمایانگر سیاست رسمی رادیو زمانه نیستند و توسط کاربران تهیه شده اند. شما نیز می‌توانید به راحتی در تریبون زمانه [عضو شوید](#) و مطالب خود را منتشر کنید.

کاریکاتور پیامبر اسلام، آزادی بیان یا توهین به مقدسات؟

احمد هاشمی، کارمند سابق وزارت خارجه

در جوامعی مانند فرانسه، که دارای سنت دیرینه دموکراسی و لائیسیته بوده و مفاهیمی از قبیل قانون، رواداری، تنوع و تکثر و به‌ویژه مفهوم آزادی‌های فردی و اجتماعی در آنها نهادینه شده است؛ خط و مرزها مشخص و تا حدود زیادی شفاف است. ولی در جوامع استبداد زده، بحث بر سر حدود و ثغور آزادی، احترام به عقاید دیگران و نقطه تلاقی این دو، بحثی بی‌پایان بوده است.

امروزه، به مدد رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، یک خبر، رویداد و یا موضوع مثبت یا منفی می‌تواند در مدتی کوتاه در سراسر جهان منتشر شود. در سال‌های اخیر، کشیدن کاریکاتور پیامبر اسلام و یا مطالب و کارتون‌های دیگری که از نظر پیروان یک دین یا جریانی توهین آمیز محسوب می‌شوند با اقدامات خشونت بار در سراسر جهان همراه شده است.

واقعیت این است که تندروهای مذهبی، جزم اندیشان و دیکتاتورها با کاریکاتور میانه خوبی ندارند و حتی از آن وحشت دارند. اسلام‌گرایان تندرو با دیدن یک کاریکاتور/کارتون از پیامبر اسلام، ناگهان خون‌شان به جوش می‌آید. ولی کشته شدن بیش از ۲۰۰ هزار مسلمان در سوریه و خشونت‌ورزی شبه نظامیان شیعه و سنی در لبنان، عراق، افغانستان، نیجریه، سومالی و دیگر نقاط جهان و بروز فجایع انسانی از قحطی و گرسنگی گرفته تا خشونت خانگی و قتل‌های ناموسی و هزار و یک معضلی که جهان امروز با آن روبرو است نتوانسته رگ‌های غیرت این متعصبان را برجسته کند.

اسلام و آزادی؛ اجتماع نقیضین

زمانی که در ایران برای نخستین بار در انقلاب مشروطه بطور جدی سخن از آزادی به میان آمد بسیاری از سنت‌گرایان و در راس آنها شیخ فضل الله نوری ضمن مخالفت با این مفهوم، آن را ایده‌ای در تضاد با اسلام و آموزه‌های دینی دانستند. از آن روز تا کنون، نوگرایان در قالب پروژه نواندیشی دینی یا همان روشنفکری دینی، در تلاش بوده‌اند تعریفی دموکراتیک و امروزی از متن قرآن و دیگر نصوص دینی استخراج کنند. ولی واقعیت این است که این رویکرد، نتوانسته در مقابل چالش‌های ریز و درشت پیش روی انسان معاصر، راه حلی جامع ارائه دهد؛ چرا که در اسلام و شاید همه ادیان دیگر مفهومی به نام انسان آزاد و در نتیجه اراده، حق و تکلیف وجود ندارد.

باید پذیرفت مفاهیمی مانند دموکراسی، انتخابات، تفکیک قوا، حقوق و وظایف قراردادی میان شهروندان و حاکمان، مفاهیمی جدید و بر ساخته دنیای مدرن هستند. آزادی کالای نایابی است که در مدینه فاضله اسلام یافت نمی‌شود چرا که در اسلام و ادیان دیگر، انسان برای عبودیت و بندگی خلق شده و فاقد تفکر آزاد و رویکرد نقادانه و پرسش‌گرانه است.

آزادی را نه در قرآن بلکه بطور مثال در کلام ولتر، فیلسوف قرن ۱۸ فرانسه می‌توان یافت که می‌گوید: «با سخنان تو موافق نیستم ولی تا سرحد مرگ از حق تو برای ابراز آن سخنان دفاع خواهم کرد.» آزادی مشروط و دارای قید و بند که اسلام‌گرایان از آن دم می‌زنند، نقض غرض است و دیگر نمی‌توان نام آزادی را بر آن گذاشت.

تقدس زدایی و انتقادپذیری

تقدس زدایی و انتقادپذیری، میوه‌های شیرین نسبی‌گرایی، تشکیک و عقلانیت مدرن هستند و زمانی که این میوه‌ها در جوامع اسلامی هم به بار بنشینند دیگر یک کاریکاتوریست، کارتون‌نویست و نویسنده برای خلق یک اثر هنری و فکری خود، نیازی به کسب اجازه از کسی و یا نگرانی از پیامد احتمالی کار خود نخواهد بود. قلمروی مقدسات در کشور های اسلامی به قدری وسیع است که یک کنشگر، منتقد، روزنامه‌نگار و اندیشمند دست به هر کاری بزند و یا از هر چه سخن بگوید به تریج قبای یک فردی و یا گروهی برمی‌خورد. بنابراین، تنها فاصله گرفتن از جزم اندیشی و تقدس زدایی از شخصیت‌ها، ایدئولوژی‌ها و پندارها و باور به اینکه «انسان»، زندگی، و آزادی او بر همه چیز مقدم است می‌تواند راهگشای مساله توهین به مقدسات باشد.

اسلام هراسی، حقی در چارچوب حق آزادی بیان

در جوامعی مانند فرانسه، که دارای سنت دیرینه دموکراسی و لائسیته بوده و مفاهیمی از قبیل قانون، رواداری، تنوع و تکرر و به‌ویژه مفهوم آزادی‌های فردی و اجتماعی در آنها نهادینه شده است؛ خط و مرزها مشخص و تا

حدود زیادی شفاف است. ولی در جوامع استبداد زده، بحث بر سر حدود و ثغور آزادی، احترام به عقاید دیگران و نقطه تلاقی این دو، بحثی بی‌پایان بوده است.

مع هذا، وجود نمونه‌های فروان از موارد آزادی ستیزی در جوامع اسلامی، این کلیشه تکراری را که «اسلام به ذات خود ندارد عیبی! هر عیب که هست از مسلمانی ماست» به چالش کشیده است؛ بطوریکه اکنون ندای الله اکبر به نمادی هولناک برای مبارزه با آزادی و شعاری برای کشتار و ستاندن حق حیات از انسان‌ها بدل شده است.

بنابراین، در این شرایط، اسلام‌هراسی و حتی اسلام‌ستیزی، می‌تواند واکنشی طبیعی باشد و یک کارتون نیست فرانسوی می‌تواند نگرانی خود از اسلام سیاسی و رادیکال را در قالب یک کارتون به تصویر بکشد. اگر مسلمانان افراطی با دیدن کاریکاتور پیامبر اسلام برآشفته می‌شوند ممکن است دیگران هم به آنها بگویند با دیدن برقع و شنیدن صدای بلند اذان و یا عقاید مذهبی مسلمانان تندرو که با شادی و شادکامی سر ناسازگاری داشته و آن را به جهانی دیگر حواله می‌دهند آزرده می‌شوند. از این رو، ایده‌ها، عقاید و شخصیت‌ها نمی‌توانند مقدس باشند. اگر برای برخی، پیامبر اسلام مقدس است؛ برای عده‌ای هم مارکس و انگلز، و برای دیگرانی هم ژان ژاک روسو، و برای برخی هم اسامه بن لادن و ملا عمر می‌تواند مقدس باشد.

نتیجه اینکه، اسلام‌ستیزی و مخالفت با قوانین بعضا واپس‌گرایانه اسلام و یا هر عقیده و مرام دیگری، حقی در چارچوب آزادی‌های فردی و اجتماعی است. البته، اشاره به سه نکته در این مورد ضرورت دارد:

نخست اینکه اسلام ستیزی با مسلمان ستیزی دو مقوله متفاوت است؛ اولی حق آزادی بیان است و دومی اقدامی نژادپرستانه. مسلمانان آزادی‌خواه و روشن ضمیر هم می‌توانند اسلام ستیز و یا دست کم، منتقد برخی از احکام واپس‌گرایانه اسلام از قبیل زن ستیزی، ارتداد، سنگسار، اعدام، مجازات حد و بریدن دست و پا باشند و به چالش کشیدن بنیان‌های فکری اسلام و یا هر ایده و مرام و عقیده‌ای، حق همه است.

دوم اینکه مخالفت با اسلام نباید به دستاویزی برای عرب‌ستیزی تبدیل شود که همانند یهودستیزی، نوعی نژادپرستی محسوب می‌شود. عرب‌ها نیز همانند تمامی ملت‌ها، در طول تاریخ، دارای فراز و فرودهای زیادی بوده‌اند و بخشی از موزائیک زیبای تنوع فرهنگی در جهان هستند. عرب‌ها، تاثیرگذارترین فرهنگ موسیقایی در جهان را دارا هستند و در دورانی که به عصر طلایی فرهنگ عربی- اسلامی معروف است بسیار خوش درخشیده‌اند.

سوم اینکه هر عقیده‌ای، به‌طور مثال، دیگرهراسی، خارجی‌ستیزی و نژادپرستی، شایسته احترام نیست. به همین منوال، عقاید گروه‌های تندرو و جزم اندیش از قبیل طالبان، القاعده، داعش، بوکوحرام، الشبাব، جریان انصار حزب الله و باورمندان به ولایت فقیه، و دیگر جریانات و گروه‌های جهادی و اسلام سلفی، قابل احترام نیست و به بهانه توهین به مقدسات، نمی‌توان حق آزادی بیان و انتقاد را محدود و یا سلب کرد.